

ابراز قدرشناسی جامعه‌ی علمی به مصحفی یک فرهنگی تمام عیار

با عقل و فهم و دانش، داد سخن توان داد / چون جمع شد معانی، گوی بیان توان زد
عشق و شباب و رندی، مجموعه‌ی مراد است / ساقی بیا که جامی در این زمان توان زد

فرهنگ ایرانی ویژگی منحصر به فردی دارد و آن، قدر بزرگان دانستن است. شاید این یادگار فردوسی بزرگ به یادگار است که به ایرانی هشدار داد:

بزرگش ندارند اهل خرد / هر آن کس که نام بزرگان به زشتی برد

بزرگانی که هر یک در دوران خود، تاریخ ساز بوده و هستند و حتی در غیاب ساختارهای نظام مند علمی-آموزشی، یک تنه کمر همت بسته و توانسته اند حرکت های عظیم ایجاد کنند. دقت در زندگی این بزرگان نشان می دهد که اکثر آنها، دارای مشترکات قابل توجهی بوده اند. به طور مثال، اغلب آنها علاوه بر علم و هوش و استعداد سرشار که رکن رکن هر حرکت اثربخشی اند، انسان هایی با اخلاق، تلاش گر، چندبعدی، متواضع و بی ادعا، از نظر علمی حریص و از نظر مادی قانع، خستگی ناپذیر، چالش جو، مردمی، خلاق و نوآور، عارف و عاشق و به شدت انسان دوست بوده اند و در واقع، مصداق کلام خواجه ی شیرازند!

آنها زیاد می کوشند و کم طلب می کنند و همیشه در حال حرکت و زایش و تولیدند. چنین بزرگانی در قلب و روح جامعه ی ایرانی جای دارند و جامعه همیشه درصدد بوده است تا به موقع، مراتب قدرشناسی خود را به ایشان، ابراز دارد. جالب این جاست که در جامعه ی فرهنگی ایران و از میان اقشار مختلف و زحمت کش و ماندگار، معلمان از حرمت خاصی برخوردارند زیرا هرکه هرچه شده، معلمی اثرگذار در زندگی خود داشته است!

عبدالحسین مصحفی یکی از این بزرگان است که در سرنوشت بسیاری از فرزندان این مرزوبوم، نقش اثرگذاری داشته است. یکی از استادان به نام ریاضی و از ارادتمندان ایشان نقل می کند که چگونه در روزهای سرد و برفی زمستان، ساعت ها در کنار دکه ی روزنامه فروشی یکی از شهرهای کوچک ایران به انتظار می ایستاد تا مجله ی یکان برسد و او بتواند تشنگی یک ماه خود را با مسایل چالش برانگیز

آن، سیراب نماید! مصحفی با متانت و تعهد خاص خود، از هر روزنه‌ای برای توسعه‌ی ریاضی در ایران استفاده کرد و علاوه بر تدریس و تألیف، کارهای تأسیسی قابل توجهی انجام داد که شاه بیت غزل‌هایش، انتشار ۱۱۷ شماره‌ی یکان بود که در زمان خود و در نوع خود، بی‌نظیر بود. مجله‌ای که بی‌وقفه، از آبان ۱۳۴۲ تا اسفند ۱۳۵۶ همراه چاپ می‌شد و تقریباً می‌توان ادعا کرد که تمام ریاضی‌خوانده‌های آن زمان و ریاضی‌دان‌های برآمده از آن نسل، همگی با یکان مانوس بوده‌اند و یکی از عوامل علاقه‌مندی خود را به ریاضی، یکان می‌دانند. یکانی که حاصل تلاش فردی مصحفی و همسر ایشان بود و جالب این جاست که همیشه در صحبت‌هایشان اشاره کرده‌اند که «بدون سرمایه‌گذاری و همت همسر، امکان انتشار یکان وجود نداشت.»

عبدالحسین مصحفی از سال ۱۳۴۳ تا زمانی که در ۱۳۵۸/۱۰/۲۷ از خدمات دولتی بازنشسته شد، نقش بی‌بدیلی در برنامه‌ریزی، تألیف، چاپ و توزیع کتاب‌های درسی ایران داشت. این معلم خستگی‌ناپذیر، از ابتدای بازنشستگی تا به حال، دائم در حال ترجمه و تألیف و ویراستاری و ارائه‌ی خدمات فرهنگی بوده است. مصحفی یکی از پابرجاترین همکاران مجله‌ی رشد آموزش ریاضی است و بدین وسیله، تلاش می‌نماید تا تجربیات ارزنده و دانش وسیع خود را در اختیار نسل جدید معلمان ریاضی ایران قرار دهد.

همه‌ی این ویژگی‌ها باعث شده تا دانشکده‌ی ریاضی دانشگاه یزد، دست به ابتکار جالبی بزند و پیشنهاد اعطای دکترای افتخاری به عبدالحسین مصحفی را به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بدهد. برای بررسی این پیشنهاد، کمیته‌ای در وزارت متبوع تشکیل شد جالب این جاست که در جمع‌بندی خود، به این نتیجه رسید که شایسته است دکترای افتخاری آموزش ریاضی به عبدالحسین مصحفی اعطا گردد و با این اقدام جالب، دکترای آموزش ریاضی در ایران تأسیس شد!

این مدرک در تاریخ ۸۷/۲/۲۵ طی مراسم باشکوهی که با همکاری دانشگاه یزد و سازمان آموزش و پرورش یزد برگزار شده بود، به ایشان اعطا شد و جامعه‌ی ریاضی و آموزش ریاضی ایران را غرق در شغف کرد. آقای عبدالحسین مصحفی پس از مرحوم احمد بیرشک و استاد پرویز شهریاری، سومین بزرگ جامعه‌ی ریاضی ایران است که مدرک افتخاری دکتری دریافت داشته است. سه معلمی که ریاضی‌خوانده‌های قدیم و جدید از محضرشان فیض برده‌اند، عشق معلمی ایشان به شاگردانشان سرایت کرده و علاقه‌مندی به ریاضی و معلمی را در آن‌ها شعله‌ور کرده است. جامعه‌ی علمی آموزشی ریاضی از تألیف‌ها و ترجمه‌ها و کتاب‌های درسی این سه بزرگ بسیار آموخته است و برای نسل جدید هم مانند نسل‌های قبلی، هر سه نام‌هایی آشنا، مورد احترام و حرکت بخش‌اند.

مجله‌ی رشد آموزش ریاضی به نوبه‌ی خود، این حرکت عمیق فرهنگی را ارج می‌گذارد و قدردانی خود را از مبتکران و بانیان و حامیان آن ابراز می‌دارد. مهم این است که این بزرگان هرچه بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند، ذره‌ای از افتادگی و تواضعشان کم نمی‌شود، زیرا به خوبی آموخته‌اند که افتادگی آموز اگر طالب فیضی
هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است

البته جامعه‌ی علمی، این بزرگان را همیشه به عنوان استاد بزرگ داشته است و دریافت این مدرک، ممکن است هیچ تأثیری در زندگی آن‌ها نداشته باشد، اما جامعه خرسند است که توانسته است بخشی از وظایف خود را در رابطه با قدرشناسی از بزرگان انجام دهد. آرزوی تداوم این حرکت را داریم.